اجزاء صوم مندوب در یوم الشک

در برگهای که شما دیروز به من دادید، دو احتمال در روایت زهری را مطرح فرمودید. در روایت زهری طبق احتمال اول، «الفرض» یعنی «مأتیٌ به». حضرت فرمودهاند روزهای که مکلف گرفته است، منطبق بر روزی شده که خداوند روزه آن را واجب کرده. این مانعی ندارد. منطبق یعنی مصادف. البته حضرت نفرمودند «وقع علی صوم الیوم بعینه». شما در اینجا یک روزه اضافه کردهاید. البته خرابکننده مطلب نیست ولی عین خود عبارت نیست.

شاگرد: طبق احتمالی که شما فرمودید «الفرض»، فعل مکلف شد؟ یا خود حضرت به این صورت انطباق میدهند؟ یعنی خود حضرت میفرمایند روزه بر روز منطبق شده است. این درست است؟

استاد: یعنی صادف.

شاگرد: یعنی بگوییم روزه با تکلیف امروز مصادف شده.

استاد: من هم منظورم این است که حضرت صریحاً این را نفرمودند. شما از باب فرمودید که میخواهید مصادف باشد، درحالیکه مصادَفٌ له باید تناسب داشته باشد، لذا صوم نمیتواند باشد.

خب طبق احتمال دوم، حضرت فرمودهاند روزهای که خدا واجب کرده، منطبق بر روزی شده که مکلف آن روز را روزه بوده است. من «بعینه» را عرض کردم، اگر این قیود اضافه شود خوب است. تنها روزهای که در روز معین خداوند واجب کرده، منطبق بر خود این روز شده است. یعنی روزه روز معینی که او روزه گرفته. من قید کردم و گفتم یعنی «فرض الله صیام اول یوم من شهر رمضان» است. یعنی منظور حضرت از «الفرض»، تعیین هست. لذا بعدش کلمه «بعینه» را میآورند. یعنی در عالم ثبوت، خداوند روزه روز معین را فرض کرده است. آن روز معین، اول یوم من شهر رمضان بود. پس فرض الله یوما معینا. اول یوم. حال واقع شده بر این روز بعینه. یعنی تنها و تنها این روز است که منطبَقٌ علیه آن روز معین ثبوتی است. پس منظور من از تعیین، هم در ثبوتش هست؛ یعنی فرض الله اول یوم من شهر رمضان، نه «یوما»، هم «وقع علی الیوم» منظور من بود. یعنی در علم خداوند روز سهشنبه اول ماه بود. پس صیام اول یوم که واجب بود، وقع علی الیوم بعینه. این روز معیناً با آن روز معین، بر هم منطبق هستند. یعنی هیچ مجال صوم تطوع و محتملات دیگر، در اینجا نیست. فلذا روی این حساب دلیل میشود برای اجزاء تکوینی منطقی. ولو میتوانست تعبد، خلاف آن باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 12:23:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 12:24:14 توسط ... .